

اختلاف در صلاحیت باز پرس

(جزائی) بنمائیم مرجع صالح برای رسیدگی را قانون گذار صریحاً معلوم کرده و بخوبی روشن است :
ماده ۵۴ - مستنطق در صورت وجود جهات قانونی ...
در موارد ذیل شروع بتحقیقات مینماید :

۱ - در صورت وقوع جنحه یا جنایت در حوزه مأموریت او .

۲ - در صورتی که جنحه یا جنایت در حوزه مستنطق دیگری واقع شده ولی متهم یا مقصر در حوزه او دستگیر یا جنحه و جنایت در حوزه او کشف شده باشد

۳ - وقتیکه متهم یا مظنون بارتکاب جنحه یا جنایت در حوزه او مقیم است ولو اینکه وقوع در حوزه مستنطق دیگری بعمل آمده باشد .

ماده ۵۶ - هرگاه جرم در محلی مشکوف و مستنطق محل کشف نداند که وقوع جرم در کجا بوده به تحقیقاتی که شروع کرده مداومت میدهد تا وقتیکه تحقیقات ختم و محل وقوع جرم معلوم شود .

پس بانوجه بر مراتب فوق واضح است که در صورتی که گناه در حوزه دیگری واقع ولی متهم در حوزه باز پرس دستگیر یا گناهش در حوزه او کشف یا محل اقامت گنهگار در آنجا و یا محل وقوع گناه مجهول است باز پرس موظف خواهد بود بیاز جوئی ادامه داده و پرونده را تکمیل کند .

حال ببینیم با اینکه مواد مربوطه (فوق) تا این اندازه روشن و بی ابهام است علت زیاد بودن اختلاف در صلاحیت ناشی از چیست ؟

بنظر نگارنده اختلاف مزبور بیشتر ناشی از مسامحه ایست که در تعبیر وظایف باز پرس بعمل میآید - شاید در مقام

بیشتر اوقات بین باز پرسان در سر حوزه صلاحیت اختلاف میشود هر چند قانون آئین دادرسی (جزائی) این موضوع را حل کرده و تاحدی حوزه صلاحیت هر باز پرس معلوم است لکن در عمل غالباً حل این اختلاف پیش میآید و چون موضوع تقریباً ساده و بکنواخت ولی تکرار آف از نظر اجتماعی [۱] و فردی (۲) زبان آورد و موجب اتلاف وقت میشود بيموقع نخواهد بود برای روشن شدن قضیه و عدم تکرار بيموضوع ببحث مختصری در اطراف صلاحیت مخصوصاً در مواردی که عملاً پیش آمد میکند بپردازیم .

اشکالات عملی در موضوع صلاحیت بیشتر در مواقعی تولید میشود که متهم غائب و یا خارج از دسترس باز پرس بوده و یا گناه در حوزه دادرسی دیگری واقع شده یا محل وقوع آن معلوم نیست و یا بالاخره محل مزبور از نظر صلاحیت محلی مورد اختلاف واقع شده باشد .

در عمل می بینیم که در بیشتر از حالات فوق بعضی از باز پرسان بعمض اینکه چنین موردی پیش آمد قرار عدم صلاحیت خود را صادر و باین ترتیب پرونده از حوزه آنها خارج میگردد .

لکن اگر نظر دقیقی بمواد مربوطه در آئین دادرسی

[۱] اختلاف دو باز پرس موجب تعویق رسیدگی اتلاف وقت دو دادسرا و دادگاه استان و زبان مادی که در اثر رسیدگی باین قبیل مسائل کوچک دستگاه دادگستری را کندتر کرده مسائل مهم و بلنکه فوری را بتعویق میاندازد .
(۲) ممکن است متهمی در توقیف یا از حیث زبان اخلاقی و یا مادی در مضیقه سخت بوده و بانتظار حل اختلاف مدتی در اینحال بلا تکلیف و حال آنکه اصل موضوع اتهام بستگی با نداشته و بی تقصیر باشد .

واقع و با استناد همین اصل قرار عدم صلاحیت خود را صادر می نماید؟

در اینجا بدیهی است اگر نوع گناه مختلف و مثلاً یکی جنبه و دیگری جنایت باشد از روی سایر مواد مربوطه بآئین دادرسی (جزائی) و توجه باینکه حوزه دادرسی صالح برای گناه اشد بطریق اولی صلاحیت در تعقیب گناه اخف نیز دارد میتوان قضیه را حل نمود.

ولی اگر هر دو گناه از یک نوع و مثلاً جنبه یا جنایت باشند؟

در این فرض ممکن است بصورت ظاهر اینطور حکم شود که بازپرس هر حوزه رسیدگی بگناهی را که در محیط صلاحیت او واقع شده وظیفه دار و صالح است.

بنابراین قرار هر يك در عدم صلاحیت رسیدگی به گناه خارج از حوزه خود صحیح میباشد ولی این نظر بانوضیعی که راجع باصل صلاحیت و فرقی بین رسیدگی و تعقیب در مرحله بازجوئی یا مرحله دادرسی دادیم مورد توجه نخواهد بود. چه در صورتی که یکی از جهت مذکوره در مواد ۵۴ و ۵۶ موجود باشد مثلاً گناهکار در حوزه بازپرس مقیم بود که یا گناه در حوزه مزبور کشف یا اعلام و یا متهم در آنجا دستگیر و یا اساساً محل وقوع معلوم لیست بازپرس نامبرده موظف است هر دو گناه را تعقیب و پس از تکمیل بازجوئی و کشف حقیقت در باره گناهی که در محیط صلاحیت خود واقع شده قرار مقتضی صادر و راجع بگناه دیگر آن را نزد بازپرس صالح میفرستد بدیهی است اگر هر دو بازپرس در حوزه يك دادگاه استان باشند در عمل اشکال زیادی ایجاد نخواهد شد و الا موضوع محتاج با معن نظر دقیقی است که در موقع خود مورد بحث واقع می شود

دکتر ع . انجوی

امعان نظر سطحی بر وظایف بازپرس مزبور این اشتباه تاحدی هم غیر معقول نیاید - چه بازپرس کسی است که گناه را کشف و گناهکار را تعقیب میکند ولی اگر بهمین جمله دقت کنیم می بینیم که کشف و تعقیب گناه و گناهکار با اظهار عقیده در نوع گناه و گناهکاری در وظیفه مختلف است در اولی هر نازیسی که طبق ماده ۵۴ مواجعه با چنین گناه و گناهکاری گردد و موظف بازجوئی و تعقیب امر بوده و در دومی فقط بازپرس محل وقوع گناه.

پس فرق است بین تعقیب و کشف گناه در مرحله بازجوئی و تعیین سر نوشت گناهکار و طرق تعقیب او در مرحله دادرسی: در تعقیب و کشف گناه هر بازپرس که مجرم در حوزه او مقیم یا دستگیر شده یا گناه در حوزه او واقع و با کشف و یا گناه مزبور با اعلام شده یا آنکه محل وقوع معلوم باشد صالح و اینکه طبق مقررات موظف برسیدگی و تکمیل پرونده است. در اینحال اگر بر او ثابت شد که محل وقوع حوزه دادرسی دیگری است بدیهی است گناه کشف شده را نزد بازپرس صالح میفرستد و اگر پس از ختم بازجوئی در روشن شدن قضیه خود صلاحیت در رسیدگی داشته باشد نظر نهائی را ابراز و تعقیب در مرحله دادرسی آغاز میگرد.

اکنون بنگنه باز یک دیگری که در عمل ممکن است اتفاق افتد توجه کنیم و آن این است که گاه شخص یا متهم به ارتکاب دو گناه است که در حوزه دو دادرسی مختلف واقع، منهم فراری و یکی از دو بازپرس با استناد اینکه محل وقوع گناه در حوزه دیگری است قرار عدم صلاحیت صادر میکند. بازپرس دیگر نیز پس از مراجعه بشکایت شاکی و اعلام جرم متوجه این نکته میشود که گناهکار گناه دیگری، نیز مرتکب شده که در حوزه دادرسی دیگری